

## کنترل جمعیت، یک نقشه‌ی غربی بود

چهارشنبه، 9 اردیبهشت، 1394 - 22:30

**سرویس پرونده:** [1] اگر به مرکز آمار کشور مراجعه و سیر جمعیتی کشور را در طول یک قرن نگاه کنیم، می‌بینیم جمعیت ایران در این یک قرن از 10 میلیون نفر در سال 1300 با افزایش هشت برابری به حدود 77 میلیون در حال حاضر رسیده است. این میزان جمعیت حدود یک درصد از کل جمعیت جهان را تشکیل می‌دهد و البته سیل جمعیت در سال‌های مختلف کشور شتاب متفاوتی داشته است. بنا بر آمارهای اعلام شده توسعه ایران از لحاظ جمعیتی در جهان 18 و در آسیا بعد از پاکستان و مصر رتبه سوم را دارد، این آمار به این معنی است که کشورمان از لحاظ جمعیتی در شرایط خوبی قرار دارد، اما نکته‌ای که کارشناسان و مسئولان را نگران و به دغدغه مهم جمعیتی کشور تبدیل شده است این است که نرخ رشد جمعیت ایران نسبت به گذشته بسیار کاهش و این میزان به حدود 1.3 رسیده است، نرخ که اگر سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای آن صورت نگیرد تا 30 سال آینده، ایران با رشد صفر و منفی جمعیت مواجه خواهد بود و هرم جمعیتی کشورمان از جمعیت جوان به سالمند و پیر تغییر خواهد کرد و این مساله از نظر توسعه و شرایط اجتماعی پیامدهایی ناخوشایندی به همراه خواهد داشت. در واقع بحث افزایش جمعیت از موضوعات بسیار مهم سیاست‌گذاری‌های دولت به شمار می‌رود که لازم است در این زمینه فرهنگ‌سازی و آموزش‌های لازم ارائه شود و قانونگذاری صورت گیرد. به همین جهت در گفت‌گو با فرشته روح‌افزا مدیر طرح، برنامه و تدوین سیاست شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده و عضو هیئت‌علمی دانشگاه منچستر انگلیس این بحث را مورد بررسی قرار داده‌ایم تا علاوه بر ترسیم نگرشی درست از وضعیت فعلی سیر جمعیتی ایران به ارائه راهکارها برای این نگرانی بزرگ مسئولان و جمعیت شناسان بپردازیم.

\*\*\*

خانم دکتر همانطور که می‌دانید رهبر معظم انقلاب کاهش جمعیت ایران را به عنوان یکی از نگرانی‌های خود طی سال‌های اخیر عنوان کرده‌اند، به اعتقاد شما چرا باید نگران کاهش جمعیت ایران بود؟

همان‌طور که می‌دانید میزان باروری از سال 1364 به تدریج شروع به کاهش کرد. هرچند دولت از سال 1367 سیاست‌های آشکاری را برای تعدیل نرخ رشد در پیش گرفت؛ اما باید اذعان کرد سیاست‌های مخفی دولت، از جمله افزایش سطح سواد، توسعه‌ی نقاط روستایی و گسترش شبکه‌های بهداشتی، در کاهش باروری از نیمه دهه 60 به بعد، تأثیر بسزایی داشته است.

از سال 1367 دولت تصمیم به تغییر سیاست‌های تنظیم خانواده گرفت و در نهایت، در سال 1368 برنامه‌ای از طرف دولت مطرح شد و در سال 1372 به تصویب مجلس رسید. در واقع از سال 1367، که زمان شروع مجدد برنامه‌های تنظیم خانواده است، جمعیت به سرعت روند انتقالی خود را طی می‌کند؛ تا جایی که میزان باروری کل از 5/5 فرزند در این سال، به 17/2 فرزند در سال 1379 می‌رسد.

در قانون برنامه اول توسعه پیش‌بینی شده بود که نرخ باروری از 6.4 فرزند در سال 1365 به 4 فرزند در سال 1390 برسد، در حالی که در سال 1371 به این هدف رسیدیم؛ اما با این حال در سال 72، قانون تنظیم خانواده در مجلس تصویب شد. در اینجا لازم است که به این نکته توجه کنیم که عامل مهم دیگری که روند تنظیم خانواده را در ایران تسهیل کرد، کمک‌های بین‌المللی، به ویژه کمک‌هایی بود که در قالب پروژه‌های صندوق جمعیت سازمان ملل متحد صورت گرفت.

میزان به‌کارگیری روش‌های پیشگیری از حاملگی، که در سال 1355 و نقطه‌ی اوج برنامه تنظیم خانواده قبل از انقلاب اسلامی به 36 درصد رسیده بود، تا سال 1378 به حدود دو برابر، یعنی بیش از 70 درصد، افزایش یافت. بنابراین کشور ایران در حال حاضر تجربه حدود سه دهه تصویب و اجرای سیاست‌های کنترل جمعیت و برنامه‌های تنظیم خانواده برای کاهش رشد جمعیت را پشت سر گذاشته است. این سیاست‌ها به شکل حیرت‌آوری بر روند رشد جمعیت تأثیر گذاشته و آن را از رقم 3.9 درصد برای دوره 65 – 1355 به 1.3 درصد در سال 1390 رسانده است.

در برنامه اول توسعه مربوط به اواخر دهه 60، هدف سیاست‌های مذکور جلوگیری از افزایش بی‌رویه جمعیت و کاهش نرخ باروری کل به 3/2 فرزند برای هر مادر تا سال 1390 ذکر شده بود که بسیاری از جمعیت‌شناسان براساس تجربه برنامه‌های کاهش باروری در سایر کشورها حصول به این هدف را در بازه زمانی تعیین شده دشوار بلکه غیرممکن می‌دانستند، در حالی که در کمال ناباوری این هدف یک دهه زودتر محقق شد؛ به طوری که در سال 1379 ایران به نرخ باروری نزدیک به سطح جایگزینی یعنی 2/2 فرزند برای هر مادر رسید.

علی‌رغم تحقق هدف، سیاست‌های کنترلی در دهه 80 همچنان ادامه یافت به طوری که نرخ باروری به 1.6 فرزند در سال 1390 رسید که

وضعیت خطر و بحران را گزارش می‌دهد؛ زیرا کاهش نرخ رشد جمعیت اگر مسیری پیش‌رونده داشته باشد، پس از مدتی غیرقابل کنترل خواهد شد یا با سختی فراوان آن را متوقف کرد، به طوری‌که با این روند کاهش تدریجی کشور در آینده با چالش‌های متعددی روبه‌رو خواهد شد.

چند نمونه از این چالش‌ها را نام می‌برید؟

بحران میزان باروری و تجدید نسل، کاهش حجم کل جمعیت ملی، بحران کاهش نیروی فعال در سن کار، بحران سالمندی جمعیت، افزایش مهاجرت‌های بین‌المللی و ایجاد تغییرات فرهنگی و هویتی، بحران امنیت ملی از مشکلات پیش‌روی کشور است. براساس برخی پیش‌بینی‌های بخش جمعیت سازمان ملل، روند نزولی رشد جمعیت ایران همچنان استمرار خواهد یافت به طوری‌که در سال‌های 1430 نرخ باروری کل به 1.35 فرزند خواهد رسید.



به همین دلیل ضرورت بازنگری در سیاست‌های جمعیتی با اولویت بالایی در بین مسئولان کشورمان مطرح شده است، به طوری‌که مقام معظم رهبری در سال 1390 در دیدار با جمعی از کارگزاران نظام فرمودند: «بررسی‌های علمی و کارشناسی نشان می‌دهد که اگر سیاست کنترل جمعیت ادامه پیدا کند، به تدریج دچار پیری و در نهایت کاهش جمعیت خواهیم شد، بنابراین مسئولان باید با جدیت در سیاست کنترل جمعیت تجدیدنظر کنند و صاحبان رسانه و تربیون از جمله روحانیون برای فرهنگ‌سازی این موضوع اقدام کنند.»

نکته مهم دیگر که در روند کاهش جمعیت نباید از آن غفلت کرد این است که واقیتهای تاریخی نشان می‌دهند که اساس و بنیاد شکل‌گیری برنامه‌های تنظیم خانواده که همواره مورد توجه و حمایت سازمان ملل و قدرت‌های بزرگ جهان از جمله آمریکا بوده است، از نوعی سلطه‌طلبی و برتری‌طلبی قدرت‌های بزرگ جهانی آغاز و با گذشت زمان رنگ و لعاب کم‌کهای بشردوستانه و رفاهی و توسعه‌ای به خود گرفته است. به طوری که محققان آمریکایی می‌گویند افزایش جمعیت در کشورهای در حال توسعه نه تنها موقعیت سیاسی برتر آمریکا را به خطر می‌اندازد بلکه مانع اصلی در راه توسعه جهانی است.

-خانم دکتر! خیلی از کارشناسان معتقدند که بحث‌های فرهنگی بیشتر از سیاست‌های دهه 70 در کاهش جمعیت ایران و ارتقای نرخ باروری نقش داشته. نظر شما در این خصوص چیست؟

به نظر من مهم‌ترین عامل کاهش جمعیت را طی سال‌های اخیر باید ناشی از تغییرات وسیع فرهنگی دانست که به اعتراف کارشناسان پس از جنگ تحمیلی از دوران موسوم به سازندگی آغاز شد؛ تغییراتی که منجر به تغییر سبک زندگی شد! با وقوع انقلاب اسلامی ارزش‌ها و نگرش‌های اسلامی برجسته شد، اما پایان جنگ و آغاز شرایط نوین سیاسی و اقتصادی و همچنین برنامه‌های توسعه، فرآیند تحول در ارزش‌ها را پدید آورد که بر اساس آن سبک زندگی غربی که در مقابل سبک زندگی اسلامی به حاشیه رفته بود، دوباره به متن جامعه بازگشت. البته این فرآیند زیر پوستی و خزنده بود و یکباره صورت نگرفت. اگر دهه اول انقلاب، توده‌گرایی و صرفه‌جویی تشویق می‌شد، پس از آن همگام با رشد برنامه‌های آزاد اقتصادی، فرهنگ مصرف‌گرایی در بین جامعه رسوخ کرد. تبلیغ گسترده کالاها و خدمات همراه با مجلات و روزنامه‌های رنگی فضای یکدست جامعه را تغییر داد.

با پایان جنگ تحمیلی در سال 1367، بازسازی نظام اقتصادی کشور به دغدغه اصلی مسئولین و نخبگان سیاسی کشور بدل شد. بدین ترتیب

«توسعه کشور» در عرصه‌های گوناگون، محور اصلی برنامه‌های دولت جدید به ریاست «هاشمی رفسنجانی» قرار گرفت. این دوره هشت ساله طی سال‌های 76-1368 که از آن با عنوان «دوران سازندگی» یاد می‌شود، مسبب تحولات گسترده‌ای بود که ابتدا در حوزه عمرانی و اقتصادی و سپس در عرصه‌های فرهنگی و اجتماعی رخ داد. بخش عمده‌ای از این تغییرات به تغییر در «سبک زندگی» افراد جامعه منجر شد.

مهم‌ترین تغییر ارزشی در نیمه اول دهه 1370، حرکت از سوی ارزش‌های معنوی و فرامادی به سوی ارزش‌های مادی و دنیوی بود. در دهه اول انقلاب، ثروت و نابرابری مالی افراد تحت عنوان «فرهنگ طاغوتی» تقبیح می‌شد. به گونه‌ای که بنیانگذار انقلاب بارها در بیانات خود «کوخ نشینان» را بر «کاخ نشینان» اولویت می‌داد. این وضعیت در سال‌های دهه 1370 تغییر کرد. دولت نظارت اجتماعی را کاهش داد. با گسترش آموزش عالی، ارزشهای جدید اجتماعی در اقصی نقاط کشور نفوذ کرد.

گرایش روز افزون جامعه به ویژه نسل جوان به مظاهر غربی و رسوخ فرهنگ غرب به بطن جامعه، خطر پنهانی بود که دولتمردان تا حد زیادی از آن غافل ماندند. از سوی دیگر گسترش مصرف‌گرایی و افزایش واردات علاوه بر ایجاد تورم و گرانی‌های کمرشکن در جامعه، تولید داخلی را نیز با مشکل مواجه می‌کرد. تشویق سیاست‌های کاهش جمعیت با شعار «دو تا بچه کافیه» از یک سو و ترغیب و تبلیغ مردم برای مصرف بیشتر به جهت چرخیدن چرخ‌های دولت سرمایه‌سالار شبه دینی، از دیگر سو، کم‌کم موجب تبدیل جامعه‌ی انقلابی به جامعه‌ی مصرفی شد.

بدین ترتیب می‌توان گفت که توسعه ناموزون کشور در دوران سازندگی و عدم توجه به ظرفیت‌های بالقوه آموزه‌های دینی در تأمین نیازهای فرهنگی جامعه منجر به تغییر سبک زندگی عموم مردم و گرایش به مظاهر زندگی غربی شد. گسترش امکانات رفاهی و رسانه‌های جمعی، افزایش تعداد دانشجویان و بهبود سطح زندگی طبقه متوسط جدید به ویژه در شهرهای بزرگ در این دوران فرصتی بود که می‌توانست زمینه‌های نیل به اهداف والای انقلاب اسلامی را فراهم کند؛ اما شتابزدگی، عدم برنامه‌ریزی مناسب و کج سلیقه‌ی برخی سیاستگذاران در کنار غفلت نخبان فرهنگی کشور مانع از این فرایند شده و این تغییر ذائقه را به تهدیدی اجتماعی بدل ساخت. اگرچه نباید در این نکته راه افراط پیمود و تمام جنبه‌های این تغییر سبک زندگی را مذموم شمرد اما نمی‌توان از نقش آن در بسترسازی بسیاری از معضلات اجتماعی و فرهنگی سال‌های بعد غافل شد.



بنابراین به طور قطع، مقوله کنترل جمعیت نتیجه تغییر سبک زندگی است. این سبک زندگی یکسری ملزومات دارد که یکی از آن‌ها فرزند کمتر است. این سبک زندگی به دلیل تبدلات فرهنگی با غرب، نفوذ مدرنیته و رسانه‌های مختلف و تعاملات اجتماعی، چند ویژگی مهم دارد که با توجه به این ویژگی‌ها می‌توان تأثیر آن را در موضوع فرزندآوری پیگیری کرد. در این سبک زندگی، اقتصاد و پول محور تمام تصمیمات است و هر نوع رفتار و کنش که متضمن سود و منفعت مادی نباشد پذیرفته نمی‌شود.

- خانم دکتر در روزگاران گذشته زنان با فرزندان‌شان هویت پیدا می‌کردند ولی در حال حاضر هویت اغلب زنان به شغل و تحصیلاتشان گره خورده است و خیلی از آن روزها فاصله گرفته‌اند، این تغییر نگرش و تغییر سبک زندگی چقدر توانسته در فرزندآوری آن‌ها نقش داشته باشد و به اعتقاد شما برای اصلاح این نگرش نادرست چه باید کرد؟

یکی از آثار و پیامدهای ناگوار رواج اندیشه‌های فمینیستی، پدید آمدن برداشت‌های جدید درباره هویت زنانه بود. با کمال تأسف، در دورانی که اندیشه‌های فمینیستی در خاستگاه و مهد پیدایش خود با تردیدهایی جدی روبه‌رو شده است و نویسندگان متعددی در نقد و رد آن به تألیف کتاب و

مقاله پرداخته‌اند، این اندیشه‌ها بر ذهن و زبان گروهی از دختران جوان ایرانی جاری شده و موجب کم‌رنگ شدن نقش مادری و جایگاه ارزشمند مادری و همسری در چشم آن‌ها شده است.

در سال‌های اخیر، تمایل زنان به کار و کسب درآمد افزایش یافته و در نتیجه، اشتغال زنان و حضور زنان در بازار کار فزونی یافته است. در کنار این موضوع، نوعی تغییر نگرش به ازدواج و نقش‌های همسری و مادری و حتی کار خانگی به وجود آمده است که نوعی تحقیر این نقش‌ها را به دنبال داشته است. این تغییر نگرش، از تفکرات فمینیستی و از جوامع غربی به دیگر کشورها و از جمله ایران سرایت کرده است.

از عوامل دیگری که به کاهش فرزندآوری و تغییر نقش‌های زنان منجر می‌شود، افزایش سن ازدواج است. بررسی‌های آماری نشان می‌دهد در ایران نیز میانگین سن ازدواج رو به افزایش است، با این تفاوت که این افزایش در زنان بیشتر است.

در جامعه امروز ایران، سن ازدواج زنان به دلیل افزایش میزان سوادآموزی آنان رو به افزایش است. همچنین، فشارهای اقتصادی بر زوج‌های تازه‌ازدواج‌کرده وارد می‌شود؛ مگر اینکه قبل از ازدواج شغل و مسکن داشته باشند. طبیعی است که با افزایش سن ازدواج، فرصت باروری نیز کمتر خواهد بود و در نتیجه به کاهش تعداد فرزندان منجر خواهد شد.



بنابراین، وقتی حضور زن در خانه را تلف‌شدن و تباهی شخصیت او بدانند و کار خانهداری و نقش‌های همسری و مادری را نوعی اسارت و تحقیر به شمار آورند، طبیعی است که رواج این نگرش به کم‌ارزش‌شدن و تحقیر این نقش‌ها در جامعه و به‌خصوص در بین زنان منجر می‌شود و در نهایت بر کاهش باروری بسیار تأثیرگذار خواهد بود.

با توجه به این موضوعات باید رسانه‌ها علی‌الخصوص رسانه ملی برداشت‌های نادرستی را که امروزه در اذهان برخی دختران جوان درباره نقش مادری و همسری زنان شکل گرفته است، اصلاح کنند. به طور مثال معرفی زیبای دیدگاه اسلام درباره هویت زنانه و نقش و جایگاه مادری و همسری، بیان روایات وارد شده در شأن زنان باردار، از لحظه بسته‌شدن نطفه تا زایمان، تبیین نقش فرزندان صالح در سعادت اخروی پدران و مادران، تبیین و توضیح مفاهیم رفاه، آسایش و سعادت در دو نگاه مادی و دینی، نقد و بررسی دیدگاه‌های فمینیستی در زمینه نقش مادری و همسری و بررسی آثار و پیامدهای رواج این دیدگاه‌ها در مغرب‌زمین صورت گیرد.

به عنوان سؤال پایانی، برای افزایش جمعیت و تغییر فرهنگ‌های غلط موجود که سوغاتی غرب برای تغییر سبک زندگی ایرانی اسلامی ماست، چه باید کرد؟

در حال حاضر، نه در میان کارشناسان و نه در میان مردم عادی، در زمینه ضرورت افزایش زاد و ولد اتفاق نظر وجود ندارد؛ بنابراین نمی‌توان صرفاً با بهره‌گیری از اهرم رهنمودهای مقام معظم رهبری به تبلیغ و ترویج سیاست جدید جمعیتی پرداخت، بلکه باید با ایجاد فضای بحث و گفت‌وگوهای کارشناسانه و بررسی جوانب گوناگون موضوع، زمینه را برای ایجاد توافق اجتماعی در این زمینه فراهم کرد.

این روزها در کشور ما از «فرهنگ‌سازی» بسیار سخن به میان می‌آید و مسئولان و کارشناسان برای حل مسائل و مشکلات گوناگونی که کشور ما در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی با آن‌ها روبه‌روست، بر ضرورت «فرهنگ‌سازی» تأکید می‌کنند؛ ولی هنوز سازوکارهای فرهنگ‌سازی و لوازم و بایسته‌های آن - چنان‌که شایسته است - شناخته نشده و از این واژه جز صورت و ظاهر باقی نمانده است.

محقق‌ساختن تأکیدات دوراندیشانه مقام معظم رهبری در خصوص افزایش حداقل دو برابر جمعیت کشور، نیازمند فراسونهان چند گام و اقدام اساسی از سوی برنامه‌ریزان کلان کشور از یکسو و مجاب شدن و اهتمام جدی شهروندان جامعه از دیگر سو است؛ جمعیت هر کشور پتانسیل و قوه محرکه جامعه است که در صورت عدم تعادل و توازن، آینده جامعه را به خطر خواهد انداخت.

لذا شاید اغراق نباشد اگر گفته شود که نیمی از بستر و زمینه تحقق رهنمود موقد مقام معظم رهبری در خصوص اهتمام برای مضاعف‌شدن جمعیت کشور، بر اثر سیاست‌ها و اقدامات برنامه‌ریزان و مسئولان کشور فراهم می‌شود. به همین خاطر، من به مجموعه‌ای از پیشنهادات که جزء وظایف دستگاه‌های مختلف است، شامل تدوین راهکارهای افزایش جمعیت که خوشبختانه شورای عالی انقلاب فرهنگی این امر مهم را انجام داده است، لغو قوانین مشوق کاهش جمعیت بالاخص قانون تنظیم خانواده سال 72، استفاده از ظرفیت علمی حوزه برای تصویب قانون جدید جمعیت، تدوین و تصویب قوانین معدودی که در اجرای بیهینه سیاست‌های مصوب شورای عالی زمینه‌ساز است، تصویب ماده واحده‌ای مبنی بر لازم‌الاجرا و قانونی بودن کل مصوبه شورای عالی و لغو هر قانون و معاهده داخلی و بین‌المللی مغایر آن است تأکید می‌کنم.

همچنین اجرای هرچه سریع‌تر مصوبه شورای عالی در جهت ایجاد مرکز جامع تخصصی جمعیت در معاونت ریاست جمهوری (ماده 5 سیاست‌های مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی)، ایجاد ستاد راهبردی نقشه مهندسی فرهنگی در بحث جمعیت برای نظارت و پایش مستمر نحوه تحقق سیاست‌ها، بازنگری نحوه جمع آوری و تحلیل آمار با توجه به سوابق حضور سازمان ملل در هدایت آمار و تغییرات آن، بازنگری در فعالیتهای کلیه دستگاه‌های همکار با آژانس‌ها و به فرموده مقام معظم رهبری (مدظله العالی) سم زدایی از آنها، تشکیل شورای عالی سیاست‌گذاری و برنامه ریزی جمعیت و انجام مطالعات عمیق در زمینه ارزیابی سیاست‌های جمعیتی گذشته، حال و آینده برای رسیدن به حد مطلوب جمعیت برای جلوگیری از بروز عواقب قبلی از دیگر وظایف است.



در اینجا لازم است توجه همگان را به یک نکته جلب کنم و آن این است که در یک برهه‌ای از زمان در جهت مصالح کشور، سیاست کنترل جمعیت باید اجرا می‌شد، اما متأسفانه با وجود تحقق این هدف تا سال 71 در اثر یک غفلت مدیریتی، در دولت‌های گذشته و نبود کنترل‌های لازم، به غلط سیاست کنترل جمعیت در کشور ادامه یافت و مجامع بین‌المللی نیز برای مدیران ما به خاطر جدیت در اجرای این سیاست کف و سوت زدند و می‌دانستند که ما با دست خود در حال درست‌کردن یک گرفتاری بزرگ برای کشور هستیم. بنابراین اگر وضعیت در بحث کنترل جمعیت به همین منوال پیش رود، کشور با پیری مواجه می‌شود و متأسفانه برخی این مسأله را جدی نمی‌گیرند و حتی ما با بی‌اعتنایی برخی از بخش‌های وزارت بهداشت به بحث افزایش جمعیت و اصرار بر ادامه سیاست‌های گذشته مواجه هستیم. بنابراین انجام مطالعات عمیق در زمینه ارزیابی سیاست‌های جمعیتی گذشته، حال و آینده برای رسیدن به حد مطلوب جمعیت برای جلوگیری از بروز عواقب نامطلوب بسیار ضروری و حیاتی است و نباید نسبت به آن غفلت شود.

از جمله گروه‌های مرجع تاثیرگذار دیگر که باید در این مساله، همانطور که رهبر معظم انقلاب نیز به آن تصریح نموده‌اند ورود کنند، علماء و مراجع عظام می‌باشند. در خصوص نقش علما و روحانیت باید اذعان کرد که علما و روحانیت معزز همیشه در طول تاریخ در جهت تحقق مصالح ملی تلاش کرده‌اند، اگر روشنفکران غرب زده در تاریخ معاصر ایران به ملت خیانت کردند، در نقطه مقابل، روحانیت شیعه مستمرا برای قطع دست بیگانگان و حفظ عزت و استقلال ملت تلاش کردند.

براین اساس، خوب است یادآوری شود آن چه پذیرش برنامه‌های تنظیم خانواده را از سال های 1367 به بعد تسهیل کرد، حمایت رهبران مذهبی و مقامات بالای دولتی و یکپارچه‌شدن دولت و مذهب بود. حمایت رهبران مذهبی به برنامه‌های تنظیم خانواده دولت مشروعیت بخشید و این مشروعیت زمینه‌ساز انجام فعالیت‌های دیگر نظیر ایجاد کارگاه‌هایی برای زوج‌های جوان، آموزش از طریق رسانه‌ها، آموزش در دبیرستان‌ها شد.

بررسی نظرات علما در مورد برنامه‌های تنظیم خانواده حاکی از آن است که:

اولاً: نظرات علمای مذهبی موافق با برنامه‌ها، انعکاس بیشتری در جامعه داشته است.

ثانیاً: به دلیل این که روحانیت و علمای مذهبی بعد از انقلاب نقش مهمی در ساختار سیاسی و اجتماعی جامعه داشتند، نظرات آنان بیشتر ملاک عمل قرار گرفت.

ثالثاً: طرح مسائل و مشکلات جمعیتی و ضرورت اعمال برنامه‌های کنترل جمعیت در مساجد و نماز جمعه و سایر مراسم مذهبی دلیل دیگری بر تبلیغ این برنامه‌ها و پذیرش آن توسط مردم و خانواده‌ها بود.

بنابراین با توجه به نقش روحانیت معزز و تاثیرگذاری فراوان این گروه مرجع در جامعه، نیاز فوری جامعه اسلامی به شکل‌گیری «نهضت روشنگری در زمینه افزایش جمعیت و تبیین نظریه جمعیتی اسلام» بسیار محسوس و ضروری است.

## کلید واژه ها:

- [فرشته روح افرا](#) [2]
- [کنترل جمعیت](#) [3]
- [جمعیت](#) [4]

---

### :Links

<http://hvasl.ir/category/%D9%BE%D8%B1%D9%88%D9%86%D8%AF%D9%87> [1]

<http://hvasl.ir/tags/%D9%81%D8%B1%D8%B4%D8%AA%D9%87-%D8%B1%D9%88%D8%AD-%D8%A7%D9%81%D8%B2%D8%A7>

<http://hvasl.ir/tags/%DA%A9%D9%86%D8%AA%D8%B1%D9%84-%D8%AC%D9%85%D8%B9%DB%8C%D8%AA> [3]

<http://hvasl.ir/tags/%D8%AC%D9%85%D8%B9%DB%8C%D8%AA> [4]